

سیمای زنان ایرانی در شبکه‌های تلویزیونی امریکا با تمرکز بر پوشش زنان در مستندهای شبکه‌های تلویزیونی لینک‌تی‌وی، نشنال جئوگرافیک، پی‌بی‌اس

دکتر سیده‌راضیه یاسینی*

چکیده

در دهه اخیر، برنامه‌های زیادی از شبکه‌های مختلف تلویزیونی امریکا پخش شده که تأثیر قابل توجهی بر افکار عمومی این کشور و جهان، در خصوص ایرانیان و بویژه زنان ایرانی داشته است. این مقاله تلاش دارد با مطالعه ۳ مستند تلویزیونی مشهور ساخته شده برای تلویزیون‌های امریکا درباره ایران: «جهانی بینا»، «به مادرم نگوید که در ایران هستم» و «ایران ریک استیوز»؛ به این سؤال پاسخ دهد که تصویرپردازی از زن ایرانی در این مستندهای تلویزیونی چگونه است؟ بدین منظور با رویکردی تفسیری، از روش تحلیل محتوای کیفی (نشانه‌شناختی) برای تحلیل ۳ مستند انتخاب شده، استفاده شده است. تحلیل مستندهای برگزیده نشان می‌دهد که زن ایرانی در این مستندها، در دو تصویر کلی بازنمایی شده است: تصویر اول، حاصل مستندهایی است که به بازتولید کلیشه‌های شرق‌شناسانه رسانه‌ای در خصوص ایران پرداخته و فضایی مطلقاً سیاه از وضع زن ایرانی تولید کرده‌اند که برخی از مختصات آن عبارت‌اند از: زندگی در فضای سیاه اجتماعی، فرودستی مطلق، تقابل سیاست و رویکردهای رسمی کشور با آزادی و استقلال و حیات خودمختار زن ایرانی و ... تصویر دوم از زن ایرانی در این مستندها، تا حدودی از سیاه‌نمایی افراطی فاصله گرفته و برخی تصاویر خاکستری نیز از زن ایرانی ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: ایران، زن، مستند، بازنمایی، تلویزیون

✉ نویسنده مسئول: دکترای پژوهش هنر، استادیار پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

Email: raziehyasini@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۲۱ تجدید نظر: ۹۴/۷/۶ پذیرش نهایی: ۹۴/۱۲/۱۸

مقدمه

با شکل‌گیری گفتمان برآمده از دل انقلاب اسلامی ایران، به تدریج فضای رسانه‌ای وسیعی نیز پیرامون آن شکل گرفت که جریان غالب رسانه‌ای در عرصه بین‌الملل، نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری آن داشته و نوعی تقابل رسانه‌ای را در برابر گفتمان انقلاب اسلامی ایران دامن زده است؛ بویژه در دهه اخیر، برنامه‌های زیادی از شبکه‌های مختلف تلویزیونی امریکا پخش شده‌اند که تأثیر چشمگیری بر افکار عمومی این کشور در خصوص ایرانیان داشته‌اند. آنچه این برنامه‌ها، بویژه گزارش‌های خبری و مستندهای تلویزیونی، از ایران بازنمایی کرده‌اند، در مجموع از نوعی انسجام برخوردار بوده و در همنشینی با یکدیگر، متنی یکدست را در خصوص جامعه و فرهنگ حاکم بر ایران در برابر دیدگان مخاطبان قرار داده است. در این میان، زن ایرانی یکی از عناصر مورد تمرکز در بازنمایی از ایران بوده است. مقاله پیش رو تلاش دارد به این سؤال پاسخ دهد که زنان ایرانی، بویژه پوشش آنها در مستندهای تلویزیونی امریکایی، چگونه بازنمایی شده‌اند؟

پیشینه پژوهش

صرف نظر از اینکه رمان‌های زیادی که در غرب با محوریت اهریمن‌سازی و شیطنانی جلوه دادن مسلمانان و خلق و خوی مسلمانان به نگارش درآمده و چاپ شده‌اند یا در کتب درسی و حتی آکادمیک غرب، انگاره‌های منفی و کلیشه‌های زیادی درباره مسلمانان به تصویر کشیده شده است، بررسی‌ها و مطالعات گوناگون نشان می‌دهد که مطبوعات غرب و به طور خاص روزنامه‌های آلمان، انگلیس، فرانسه و امریکا در پوشش موضوعات مربوط به مسلمانان، اغلب سوگیری منفی داشته و آنها را با رویکرد دیگرسازی بازنمایی کرده‌اند تا جایی که در این تصویرپردازی‌ها، مسلمانان به گونه‌ای بسیار ناخوشایندتر و منفی‌تر از پیروان هر ایدئولوژی یا دین دیگری یا به طور کلی هر «دیگری» دیگری معرفی داشته‌اند.

بررسی یک نمونه هدفمند از تمام مطالب تحلیلی و تفسیری مربوط به ایران در

چهار روزنامه گاردین^۱، دی ولت^۲، نیویورک تایمز^۳ و لوموند^۴ در فاصله زمانی ۱۹۹۷/۸/۱ تا ۲۰۰۲/۹/۳ میلادی نشان داده است که «این روزنامه‌ها با قرار دادن بحث مربوط به ایران در چارچوب «روایت تروریسم»، ایران را کشوری تروریست‌بازنمایی می‌کنند. تروریسم و بنیادگرایی اسلامی، کلیشه‌های شمایل‌انگاران اصلی هستند که در این مطبوعات (از آنها) استفاده می‌شوند. این دو کلیشه در واقع اسلام و ایران را در رسانه‌های غربی به عنوان تهدید صلح، دموکراسی، سکولاریسم و مدرنیزاسیون معرفی می‌کنند» (مهدی‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۲۴۷).

مطالعه بر روی چهل مقاله از مجلات تایم^۵ و نیوزویک^۶ آمریکا و روزنامه‌های گاردین و دیلی تلگراف^۷ انگلیس (هر یک از نشریات، ده مقاله) در دوره زمانی ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱ تا ۱۱ مارس ۲۰۰۲ که موضوع مقالات به اسلام، مسلمانان و کشورهای اسلامی اختصاص داشته، حکایت از آن دارد که مسلمانان به طور آشکار و با اشاره به اسامی و ذکر مشخصات کامل مانند سن، تحصیلات، پیشینه خانوادگی، قومیت و مذهبشان معرفی شده‌اند که ونلیوون^۸ (۱۹۹۶) این نوع طبقه‌بندی را مشخص‌سازی می‌نامد (غیاثیان، ۱۳۸۶).

تحلیل گفتمان انتقادی سرمقاله‌های سه روزنامه شاخص آمریکایی - که روزنامه‌های نخبگان این کشور محسوب می‌شوند - درباره برنامه هسته‌ای ایران از سال ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۴ نشان می‌دهد که این روزنامه‌ها یعنی نیویورک تایمز، واشینگتن پست^۹ و وال استریت ژورنال^{۱۰}، مضامین شرق‌شناسانه را در خصوص ایران بازنمایی می‌کنند و وال استریت ژورنال و واشینگتن پست در مقایسه با نیویورک تایمز، انگاره‌سازی بیشتری دارند. این مطالعه نشان داده است که چگونه تصاویر ارائه شده از ایران در این زمینه از سوی روزنامه‌های یاد شده، ریشه در کلیشه‌سازی‌های متنوع شرق‌شناسانه از اسلام به‌مثابه تهدید دارد (ایزدی و سقایی‌ریا، ۲۰۰۷، ص ۱).

مطالعه بازنمایی ایران و حجاب زنان ایرانی در رسانه‌های آمریکایی نشان می‌دهد که چگونه مطبوعات آمریکا با استفاده از تصاویر نمادین و پایدار زنان ایرانی، تصور و

-
- | | | |
|-------------------------|-------------|------------------------|
| 1. Guardian | 2. Die WELT | 3. The New yorek times |
| 4. Le Monde | 5. Time | 6. News Week |
| 7. Daily Telegraph | 8. Van Lion | 9. Washington Post |
| 10. Wall street journal | | |

روایتی خاص از ایران ارائه می‌دهند (روشن ضمیر و رضایی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۳). بیچرانلو (۱۳۸۸) در مقاله خود با عنوان «بازنمایی ایران و اسلام در رسانه‌های غرب»، نگاهی اجمالی به مستندها و فیلم‌های کوتاه ساخته شده درباره ایران در رسانه‌های تصویری غرب دارد. کتاب «هالیوود چگونه سیاست خارجی را تصویر می‌کند؟» با بررسی تأثیرگذاری هالیوود بر نگاه مردم آمریکا به کشورهای مختلف جهان، این موضوع را درخصوص هفت کشور ایران، کوبا، لیبی، عراق، کره شمالی، سوریه و سودان تبیین کرده است. فصل سوم این کتاب به تشریح انگاره‌سازی‌های صورت گرفته از ایران در هالیوود، پرداخته است (تتمن^۱، ۲۰۰۹، ص ۷۰).

رویکرد فرهنگ ایرانی و دین اسلام به زنان

از آنجا که بازنمایی‌های رسانه‌ای از زن ایرانی در مستندها، اغلب معطوف به زن ایرانی مسلمان یا به طور خاص، شیعه است، در تبیین تصویر زنان ایرانی، مروری بر تاریخ ایران پیش و پس از اسلام و آنچه از تصویر ایشان قابل بازیابی است، مفید می‌نماید. در نخستین تمدن‌های آریایی، زنان مقام شایسته‌ای داشتند. آریاییان ... زن را برای زندگی مرد واجب می‌دانستند و می‌گفتند همچنان که کمان به زه نیازمند است، مرد هم به زن نیاز دارد (نفیسی، ۱۳۴۲، ص ۱۲۵). در دوران هخامنشی، ... زنان در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت می‌کردند و گاه نقش‌های تعیین‌کننده‌ای داشتند؛ چنانکه گفته‌اند در نبرد میان آستیاگ با لشکریان کوروش که به شکست و فرار پارسیان انجامیده بود، زنان از حصار قلعه بیرون آمده و جنگاوران را به نبرد ترغیب و تحریض می‌کرده‌اند (دیاکونوف، ترجمه کشاورز، ۱۳۴۵، ص ۷۶۵). در دوران اشکانیان، قاعده عمومی بر جدا بودن زن‌ها از مردها بود، زیرا اندرون نجبای پارتی از بیرونی جدا بوده و زن‌ها در زندگانی خارجی مردها شرکت نمی‌کردند... از خصایص دوره اشکانی، عدم مداخله زن‌ها در امور دولتی است (پیرنیا، ۱۳۴۱). در دوران ساسانیان که همچنان طبقات مختلفی در اجتماع وجود داشت و نظام طبقاتی حقوق افراد را تعیین می‌کرد نیز، زنان در جایگاه‌های گوناگونی قرار می‌گرفتند. زنان خوب و زیبا در معرض انتخاب برای ورود به حرمسراها شاه قرار می‌گرفتند (راوندی، ۱۳۵۴، ص ۶۴۷).

با ظهور دین اسلام، تصویری از زنان ارائه شد که با تصویر پیشین فاصله بسیاری داشت. پیش از ظهور دین مبین اسلام و در میان اعراب، زنان همچنان به عنوان موجوداتی فرودست نگریسته می‌شدند که از حداقل حقوق نیز برخوردار نبودند. برخلاف نظر اعراب جاهل که وجود زن را ناپسند می‌شمردند، پیامبر اسلام، در عمل به دستورات الهی، زنان را گرامی می‌داشت. از ایشان منقول است که «خدای بزرگ، به زنان مهربان‌تر از مردان است و هیچ مردی، زنی از محارم خود را خوشحال نمی‌کند، مگر آنکه خداوند متعال او را در قیامت شاد می‌سازد (کلینی، ۱۳۹۱ ق، ج ۶، ص ۶). همچنین روایت شده است که یکی از آخرین وصیت‌های پیامبر (ص) پیش از وفات، درباره تعامل با زنان بوده است: «آخرتر چیزی که به وقت وفات از رسول (ص) شنیدند- که زیر زبان همی‌گفت- سه سخن بود: نماز بر پای دارید، بندگان را نیکو دارید و الله الله در حدیث زنان که ایشان اسیرانند در دست شما، با ایشان زندگانی نیکو کنید» (غزالی طوسی، ۱۳۸۰، ص ۳۱۴). همچنین نهایت تکریم مقام زن را می‌توان در رفتار پیامبر گرامی اسلام با دخترشان، حضرت فاطمه زهرا (س) ملاحظه کرد. از عایشه همسر پیامبر نقل شده است: «چون فاطمه در پیش رسول (ع) آمدی، رسول دست او را فراگرفتی و بوسه دادی و به جای خویش بنشاندی» (واعظ خرگوشی، ترجمه راوندی، ۱۳۶۱، ص ۴۵۱).

به این ترتیب می‌توان دریافت که دین اسلام، زنان را در جایگاه انسانی ایشان برابر با مردان می‌داند، زیرا حقیقت وجودی انسان را جنسیت‌پذیر نمی‌داند. «حقیقت انسان، نه مذکر است نه مؤنث، زیرا قرآن کریم می‌فرماید: این دو را از چهره ذکورت و انوشت شناسید، بلکه از چهره انسانیت شناسید. در حقیقت، انسان را روح او تشکیل می‌دهد نه بدن او؛ انسانیت انسان را جان او تعیین می‌کند نه جسم او و نه مجموع جسم و جان او (جوادی آملی، ۱۳۶۹، ص ۷۶). علامه طباطبایی نیز با استدلال فلسفی، قایل به وحدت نوعی زن و مرد است و از این بابت تفاوتی میان آن دو قایل نیست (۱۳۹۹ ق، ج ۱۶). دانسته‌های فوق، نشانگر منظرهای دینی و تاریخی به زنان در اشاراتی مختصر است که می‌تواند در جهت‌گیری‌های موجود در تحلیل مستندها مؤثر افتد، بویژه آنکه بخش‌های مرتبط در این مستندها، به طور مشخص، «زن مسلمان ایرانی» را موضوع بازنمایی خود قرار داده است.

نظریه بازنمایی

هال^۱، بازنمایی را به همراه تولید، مصرف، هویت و مقررات، بخشی از چرخه فرهنگ می‌داند. او ابتدا این ایده را مطرح می‌کند که بازنمایی، معنا و زبان را به فرهنگ ربط می‌دهد (۱۹۹۷، ص ۱۵) و سپس در ادامه بحث خود، به بسط ابعاد مختلف ایده بازنمایی (که مشتمل بر مفاهیم معنا، زبان و فرهنگ است) می‌پردازد و از خلال تحلیل‌های خود نگاهی جدید به مفهوم بازنمایی را شکل می‌بخشد. هال برای بیان چگونگی ارتباط میان بازنمایی، معنا، زبان و فرهنگ، می‌کوشد برداشت‌های متفاوت از بازنمایی را در یک طبقه‌بندی نظری کلی بیان کند. از دید او، نظریه‌های بازنمایی در سه دسته کلی قرار می‌گیرند: ۱. نظریه‌های بازتابی، ۲. نظریه‌های تعمدی و ۳. نظریه‌های برساختی.

در نگاه بازتابی، ادعا بر این است که زبان به شکل ساده‌ای، بازتابی از معنایی است که از پیش در جهان واقع وجود دارد. در نگاه تعمدی یا ارجاعی اعتقاد بر این است که زبان صرفاً بیان‌کننده چیزی است که نویسنده یا هنرمند نقاش قصد بیان آن را دارد. نگاه برساختی به بازنمایی مدعی است که معنا «در» و «به وسیله» زبان ساخته می‌شود (همان). هال با استفاده از دیدگاه نشانه‌شناسی منتج از آرای سوسور^۲ و نگاه گفتمانی برگرفته از دیدگاه‌های میشل فوکو^۳ نشان می‌دهد که بازنمایی دارای ویژگی‌های برساختی است. برساختی بودن بازنمایی برای استوارت هال از خلال نگاه به زبان، به‌مثابه رسانه محوری در چرخه فرهنگ شکل می‌گیرد که معانی به وسیله آن در چرخه فرهنگ، تولید می‌شوند و چرخش می‌یابند.

شرق‌شناسی

مطالعات پسااستعماری از حوزه‌های مطالعاتی است که به مطالعه نوع تعامل فرهنگی غرب و شرق می‌پردازد. از پیشگامان این مطالعات، محققانی همچون ادوارد سعید^۴، هومی بابا^۵، کریم. ح کریم^۶ و ضیاءالدین سردار^۷ هستند که ویژگی مشترک همه آنها تبار شرقی‌شان است. در این میان، آثار و مطالعات ادوارد سعید بیشتر مورد توجه قرار

-
- | | | |
|--------------------|----------------|--------------------|
| 1. Hall | 2. Saussure | 3. Michel Foucault |
| 4. Edward Said | 5. Homi Bhabha | 6. Karim H. Karim |
| 7. Ziauddin Sardar | | |

گرفته است. «به نظر ادوارد سعید، شرق در تعریف هویت فرهنگی غرب به عنوان غیرغرب نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. از این نظر، شرق‌شناسی، شیوه اندیشه‌ای است مبتنی بر تمایزی هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه میان شرق و غرب. شرق‌شناسی ابزار سلطه‌ای برای ساختن تصورات درباره شرق است که احکامی درباره آن صادر می‌کند، برخی دیدگاه‌ها را مجاز، برخی دیگر را غیرمجاز و برخی دیگر را ممنوع می‌شمارد و بدین ترتیب، شرق را شکل می‌دهد» (به نقل از سمتی، ترجمه براهوئی، ۱۳۸۵، ص ۱۵).

سعید در کتاب فرهنگ و امپریالیسم با اشاره به وجود این دو طرف و رویارویی بین شرق و غرب معتقد است: «مطالعه روابط میان غرب و قلمرو تحت سلطه‌اش؛ دیگران تنها شناخت رابطه‌ای نامساوی نیست، بلکه مدخلی است بر مطالعه تکوین و شکل‌گیری مفهوم تجربیات فرهنگی خود غرب. به علاوه استمرار حضور نابرابر قدرت نزد غرب در برابر غیرغرب زمانی می‌تواند توجیه و تبیین قابل ملاحظه‌ای داشته باشد که ما درک دقیقی نیز از صورت‌های فرهنگی همچون رمان، قوم‌نگاری، گفتمان‌های تاریخی، نوع خاصی از اشعار و اپراهایی که در آن اشارات و تلمیحات بر اساس این تفاوت‌ها در آنها فراوان است، داشته باشیم» (ترجمه اکبری، ۱۳۸۲، ص ۲۸۷).

به گفته سعید، نظرهای گوناگونی را که خاورشناسان درباره دین، جامعه، زبان، تاریخ و ... شرق ابراز کرده‌اند، می‌توان شرق‌شناسی آشکار نامید؛ اما از سده ۱۹ و همزمان با توسعه نفوذ قدرت‌های اروپایی در قلمرو اسلامی، نوع دیگری که باید آن را شرق‌شناسی پنهان خواند، پدید آمده است. در این نوع، شرق در آثار ادبی و سفرنامه‌های غرب، به گونه‌ای خیالی، نامعقول و خرافی ترسیم شده و طوری وانمود گردیده است که شرق، شایستگی زندگی آزاد را ندارد و غرب بر خود لازم می‌داند که شرق را در زمینه‌های مختلف هدایت کند. در پژوهش‌های علمی و فلسفی چنین القا می‌گردد که توانایی شرقی‌ها در نوآوری و توسعه علمی از غربی‌ها کمتر است و غربی‌ها باید از آنان دستگیری کنند (همتی گلیان، ۱۳۸۶، صص ۱۲-۱۳).

سعید در کتاب شرق‌شناسی ابتدا به تعریف آنچه شرق‌شناسی نیست، می‌پردازد و سپس ابعاد گوناگون شرق‌شناسی را شرح می‌دهد. از دیدگاه ادوارد سعید: «حاصل این شرق‌شناسی غربی، نادیده گرفتن واقعیت شرق و مردم آن است. این گونه شرق‌شناسی، پدرسالارانه، خود مرکزبینانه نژادپرستانه و امپریالیستی است» (عضدانلو، ۱۳۸۳، ص ۳۳).

شرق‌شناسی رسانه‌ای

شرق‌شناسی روایتی واقع‌نما را به‌کار می‌گیرد که در آن واقعیت متفاوت اجتماعی و فرهنگی از شرق بدیهی انگاشته می‌شود؛ واقعیتی که متفاوت از همتای غربی آن است. این روایت با تلاش شرق‌شناسان کشف می‌گردد و درست بودن آن بدیهی انگاشته می‌شود. در واقع نوعی اهریمن‌نمایی، ویژگی همیشگی این طرز تفکر بوده است. کریم تکرار تصاویر شرق‌شناسانه از اسلام و مسلمانان را در رسانه‌های امریکایی نشان می‌دهد و تبیین می‌کند که تصویر از اسلام به‌مثابه یک تهدید، به‌گفتمان غالب در امریکا تبدیل شده است. در گفتمان رسانه‌ای امریکا، اسلام به‌مثابه مهم‌ترین «دیگری»، به‌عنوان یک پایگاه کلیدی مخالفت با ارزش‌های غربی، جایگزین کمونیسیم شده است. سازمان‌های رسانه‌ای، با عینک شرق‌شناسی، نسخه‌هایی از اوضاع جهانی را تولید می‌کنند (ویلیکینز^۱، ۲۰۰۹، ص ۶). تولید این متون رسانه‌ای در دل چارچوبی کلان انجام می‌شود که در آن ایدئولوژی‌های شرق‌شناسانه که در نهادهای سیاسی و فرهنگی بقا می‌یابند، از طریق الزامات و ضرورت‌های اقتصادی صنعت رسانه‌ای نظام می‌گیرند.

روش تحلیل

در این مطالعه تلاش شده است تا حد ممکن ضمن ارائه توصیفی از آنچه در مستندها روایت شده است، دلالت‌های نشانه‌شناختی هر بخش از مستندها تبیین شود. در نشانه‌شناسی، متون به بخش‌های جزئی‌تر تقسیم می‌شوند و در گفتمانی وسیع‌تر به هم مرتبط می‌گردند. تحلیل نشانه‌شناختی روشی را فراهم می‌آورد که در آن متون خاص به نظام پیام‌هایی که در آن عمل می‌کنند، مرتبط می‌شوند. در این تحلیل، «متن ترکیبی از نشانه‌هاست (کلمات، تصاویر، اصوات و یا اطوار) که با ارجاع به قراردادهای یک ژانر و در یک رسانه ارتباطی خاص ساخته و تفسیر شده است» (چندلر، ترجمه پارسا، ۱۳۸۷، ص ۲۱). هر مستند در دو محور هم‌نشینی عناصر گوناگون متن و جانشینی آنها تحلیل شده است تا از متن هر مستند رمزگشایی شود. منظور از تحلیل هم‌نشینی یک متن، نگاه کردن به آن همچون سلسله‌ای از رویدادهاست که نوعی روایت خاص را

1. Wilkins

می‌سازد. تحلیل جانشینی یک متن به معنای جستجوی الگوی پنهان تقابل‌های نهفته در متن و سازنده معناست. جامعه مورد مطالعه را مستندهای تلویزیونی پخش شده از شبکه‌های تلویزیونی آمریکا تشکیل می‌دهند که از میان آنها ۴ مستند با روش نمونه‌گیری هدفمند «که گاهی آن را نمونه‌گیری قضاوتی نیز می‌نامند» (سفیری، ۱۳۸۷، ص ۵۹) برای تحلیل انتخاب شده‌اند. شبکه‌های مطالعه شده به طور هدفمند انتخاب شده‌اند زیرا از یک سو جزو مهم‌ترین و پرمخاطب‌ترین شبکه‌های تلویزیونی آمریکایی محسوب می‌شوند و از سوی دیگر برخی مستندهای پخش شده از این شبکه‌ها تمرکز ویژه‌ای بر موضوع زن ایرانی داشته‌اند.

گزارش یافته‌ها

بازنمایی زنان ایرانی در مستندهای تلویزیونی منتخب

۱. مستند «جهانی بینابین»^۱

نویسندگان: نظام منوچهری و جیسون رضائیان^۲؛ کارگردان: نظام منوچهری؛ راوی: جیسون رضائیان؛ زبان: انگلیسی؛ شبکه پخش‌کننده: لینک تی وی^۳؛ سال پخش: ۲۰۰۶؛ مدت: ۵۵ دقیقه؛ محصول: پروداکشن پارادایس^۴.

چکیده روایت مستند: این مستند که بخشی از آن بر موضوع زنان در ایران متمرکز است. به شرح وقایع سفر جوانی ایرانی-آمریکایی به نام جیسون رضائیان به ایران می‌پردازد که به دلیل دولیتی بودن خود معتقد است در جهانی مابین دو ملت زندگی می‌کند. او به شهرهای مختلف ایران سفر می‌کند و از تجاربش در مواجهه با دو فرهنگ ایرانی و آمریکایی سخن می‌گوید.

تحلیل مستند

• راوی می‌گوید که آمریکایی‌ها تصور می‌کنند جوانان ایرانی، افکار بسته‌ای دارند، آنها فکر می‌کنند همه پسران ریش دارند و همه دختران چادر به سر می‌کنند یا همه ایرانیان

1. A World Between
4. Production Paradise

2. Jason Rezaeeyan

3. Link TV

در خیابان‌ها شعار مرگ بر امریکا می‌دهند (دال بر کلیشه‌های جریان غالب رسانه‌های غربی از ایران و ایرانیان، مترادف بودن حجاب چادر برای زنان یا محاسن برای مردان و نیز غرب‌ستیزی با افکار متحجرانه).

● راوی که در یک کافی‌شاپ - که در آن دختران با پوششی نه چندان کامل سیگار می‌کشند- با یک مترجم دختر قرار ملاقاتی دارد، ادعا می‌کند تنها در کافی‌شاپ‌هاست که دختران و پسران می‌توانند با هم مراوده داشته باشند. وی مترجم را دختری معرفی می‌کند که افکار آزادی دارد و در یک محل عمومی با صدای بلند می‌خندد (دال بر مشابهت فرهنگی رفتارهای زنان ایران با غرب تحسین و تفاوت فرهنگی آنها تقبیح می‌شود).

● دوست راوی او را به منزلشان می‌برد، در حالی که مادر وی در آنجا به بافتن قالی مشغول است (نسل پیشین زنان ایرانی، پایبند به خانه و هنرهای خانگی معرفی می‌شوند).

● راوی برای خرید لباسی زنانه به یک مرکز خرید مراجعه می‌کند که در فضای آن، زنان و مردان جوانی در حال دیدن انواع برندهای پوشاک خارجی هستند. راوی اظهار می‌کند که درصدد خرید مانتویی تنگ و کوتاه به عنوان سوغات برای یک دختر آمریکایی است. تصاویر بر زنان حاضر در این مکان متمرکز می‌شود و نشان می‌دهد که شبیه مانتوی مورد نظر راوی^۵ که مورد پسند یک دختر آمریکایی است - بر تن دختران ایرانی است. او از یک دختر ایرانی خواهش می‌کند که لباس را بر روی اندامش ببیند و انتخاب کند (دال بر انطباق و همانندگی سلاطین فرهنگی زنان در امر پوشش میان ایرانیان و آمریکاییان).

● تصاویری از تلویزیون آپارتمان راوی با مضمون غبارروبی نمادین مرقد امام خمینی (ره) توسط دخترانی نوآموز و محجبه پخش می‌شود (دال بر ترویج امر حجاب در گفتمان رسمی کشور بویژه در میان دختران خردسال).

در این مستند، وضعیت زنان ایران در سال ۲۰۰۳ و با تشریح تصویرسازی صورت گرفته از گفتمان رسمی حاکم بر ایران در خصوص زنان، چنین روایت شده است که در این گفتمان، تبلیغات بسیار گسترده‌ای با ابزار گوناگون از جمله دیوارنگاری‌ها صورت می‌گیرد که این امر آزادی آنها را محدود کرده است.

۲. مستند «به مادرم نگویند که در ایران هستم»^۱

نویسندگان: دیگو بونوئل^۲ و پاسکال مانوکیان؛ کارگردان: دیگو بونوئل؛ راوی: دیگو بونوئل؛ زبان: انگلیسی؛ شبکه پخش‌کننده: نشنال جئوگرافیک^۳؛ سال پخش: ۲۰۰۹؛ مدت: ۴۷ دقیقه؛ محصول: نشنال جئوگرافیک.

چکیده روایت مستند: در این مستند، راوی به ایران سفر می‌کند. او سعی می‌کند پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی، از جمله وضعیت زنان ایرانی را در شهرهای قم، اصفهان و تهران مورد توجه قرار دهد.

تحلیل مستند

● در صحنه‌هایی از پیست اسکی دیزین در شمال تهران، تصاویری از اسکی‌بازان، بویژه زنان به نمایش درمی‌آید که نمادی از افراد برخوردارترند و تقیدات دینی در پوشش آنها دیده نمی‌شود (دال بر آنکه نموده‌های فرهنگ مدرن در جامعه ایران بویژه در میان زنان بارز است). راوی به همراه یک دختر ایرانی در یک کابین تله‌سیژ می‌نشیند و با وی گفتگو می‌کند. از او می‌پرسد: «آیا شما مجبورید در اینجا حجاب داشته باشید؟ وی پاسخ منفی می‌دهد و می‌گوید، چون اینجا کسی نیست که ما را مجبور به این کار بکند. مستند به تصویری از زنان محجبه ایرانی کات می‌شود (دال بر تقابل فرهنگ مدرن در برابر فرهنگ سنتی دینی در خصوص حجاب زنان). راوی می‌گوید، پس اینجا یک منطقه آزاد است؟ دختر تأیید می‌کند: بله ولی فقط اینجا و نه در سایر نقاط کشور» (دال بر نبود آزادی در فضای عمومی ایران برای پوشش دلخواه زنان ایرانی).

● راوی با اشاره به موقعیت زنان ایرانی در عرصه مشاغل اجتماعی می‌گوید، اگر در تهران یک خانم بخواهد از جایی به جایی سفر کند می‌تواند خودش رانندگی کند یا یک تاکسی مخصوص بانوان را در اختیار بگیرد. سپس با ذکر اقبال زنان به شغل رانندگی، با راننده یکی از همین تاکسی‌ها که در حال رانندگی است، گفتگو می‌کند. راوی به وی می‌گوید: «چون من یک مرد هستم نمی‌توانم داخل ماشین شما بنشینم

1. Don't tell my mother that I'm in Iran

2. Diego Bunuel

3. National Geographic

بنابراین در همین حالت با شما گفتگو خواهم کرد». راننده می‌خندد و می‌گوید: «احمقانه است» (دال بر اجبار فرهنگی در خصوص مراوده با زنان در ایران). سپس خانم راننده می‌افزاید، به دلیل برخی مشکلاتی که برای خانم‌هایی که از تاکسی با راننده مرد استفاده می‌کنند پیش آمده، زنان به تاکسی‌های خاص بانوان اقبال بیشتری دارند (دال بر عدم امنیت زنان در جامعه ایران). راوی نظر پدر یا برادر راننده را راجع به حرفه او می‌پرسد. وی پاسخ می‌دهد، اینجا زنان محدودیت عربستان را ندارند و در انتخاب حرفه خود آزادند. راوی سپس به کلاس شبانه مکانیکی که برای این رانندگان تشکیل شده است، اشاره می‌کند. مردی که در حال تعلیم به آنهاست می‌گوید، اول به یادگیری زنان خوشبین نبوده، اما بعدها نظرش عوض شده است (دال بر نگاه فرادستانه به زنان به عنوان جنس ضعیف). راوی از رضایت همسران زنان راننده از شغل ایشان می‌پرسد. آنها می‌گویند که بسیار راضی‌اند (دال بر روند گذار وضعیت موجود زنان به سوی وضعیتی مدرن).

راوی برای ارائه گزارش، به آرایشگاهی زنانه مراجعه می‌کند. دو آرایشگر مشغول آرایش دو دختر هستند. کار آرایشگرها که تمام می‌شود، راوی با آنها گفتگو می‌کند و از دختران می‌پرسد: «شما در حالی که آرایش کرده‌اید، چرا روسری به سر دارید؟ یکی از دختران حضور مرد راوی در آرایشگاه را دلیل این موضوع می‌داند که ممنوع است» (دال بر حاکمیت هنجارهای دینی در روابط میان فردی و خصوصی زنان).

راوی از آنها درباره رضایت زنان ایرانی از پوشش معمولی‌شان می‌پرسد. زن آرایشگر می‌گوید: «به دلیل همین پوشش، زنان اینجا راحت‌تر از زنان غربی‌اند، زیرا صبح‌ها بی‌دردر مرتب کردن موهایشان از خانه خارج می‌شوند» (دال بر کارکرد پوشش زنان برای پنهان داشتن بی‌نظمی ایشان). دختر آرایشگر به توضیح و نمایش عملی انواع پوشش‌های رایج در میان زنان ایرانی و نحوه پوشاندن موها توسط ایشان می‌پردازد که انواع آن بسته به تقید مذهبی از یک سو و از سوی دیگر محل کار یا محل زندگی متغیر است (تعریف تفاوت فرهنگی پوشش زن مسلمان، ذیل اجبار فرهنگی حکومت).

• راوی به محل برگزاری مسابقات بین‌المللی قرآن کریم می‌رود و اشاره می‌کند، در اینجا محل نشستن حضار زن از حضار مرد جداست (دال بر تفکیک جنسیتی به عنوان یک هنجار رسمی).

در بخش‌هایی از این مستند تلاش شده است با تمرکز بر پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی گوناگون مربوط به زنان، به طرح برخی کلیشه‌های مطرح درباره ایران، پرداخته شود. از این منظر، زنان ایران در ذیل حاکمیت جمهوری اسلامی ایران که از دید راوی، نوعی از دموکراسی اسلامی به شمار می‌رود، به آینده می‌نگرند و تلاش می‌کنند هویتی مدرن را برای خود بسازند. گرچه از برخی کلیشه‌های رایج در فضای رسانه‌ای غرب در مورد زنان همچون فرودستی و ظلم بر زنان، نشانه‌های چندانی نیست، اما بر محدودیت‌های ایشان بویژه در انتخاب نوع پوشش و نیز حدود مراودات زنان با مردان، تأکید می‌شود.

۳. مستند «ایران ریک استیوز»^۱

نویسنده: ریک استیوز؛ کارگردان: سیمون گریفیث^۲؛ راوی: ریک استیوز؛ زبان: انگلیسی؛ شبکه پخش‌کننده: پی‌بی‌اس^۳؛ سال پخش: ۲۰۰۹؛ مدت: ۵۶ دقیقه؛ محصول: بک در پروداکشنز^۴.
چکیده روایت مستند: راوی با سفر به ایران، از تهران به ایبانه، اصفهان، شیراز و تخت جمشید می‌رود و در ضمن بازدید از این شهرها، روایت خود را از ایران و زنان ایرانی بازگو می‌کند.

تحلیل مستند

● صحنه‌هایی از معابر عمومی خیابان‌های تهران به نمایش درمی‌آید که بویژه بر پوشش زنان با چادر متمرکز است. راوی می‌گوید: در این مناظر، حضور مزاحم دولت را مشاهده می‌کنم و با قاطعیت می‌افزاید: این دموکراسی نیست (دال بر عدم آزادی زنان و اجباری بودن حجاب و مظاهر فرهنگ دینی مردم ایران). راوی معتقد است انقلاب برای مردم ایران، آزادی به همراه نداشت، بلکه با خود، آنچه را خود ایرانی‌ها «انقلاب ارزش‌ها» می‌دانند، به ارمغان آورد. وی به این ترتیب، تفاوت فرهنگی - اجتماعی روابط میان زنان و مردان در ایران با غرب را تقبیح می‌کند. او به پوشش اسلامی زنان در ایران و تفکیک محل آنها در وسایل نقلیه عمومی اشاره می‌کند و این موارد را وجه تمایز ایران با

1. Rick steves Iran

2. Simon Griffith

3. PBS

4. Back Door Productions

دیگر کشورهای مسلمان می‌داند. وی در توصیف تهران می‌گوید که مناره‌ها، آسمان خراش‌ها را تحت الشعاع قرار نداده و جز حضور زنان چادری در شهر و نبود کالاها و تبلیغات تجاری محصولات امریکایی، تهران تفاوت دیگری با شهرهای سکولار کشورهای در حال توسعه در جهان ندارد (دال بر نامتعارف بودن پوشش زنان ایرانی).

- راوی با حضور در دانشگاه تهران، به تحصیلات عالی جوانان ایرانی اشاره می‌کند و می‌گوید، در این دانشگاه، دانشجویان با هزینه‌های دولتی تحصیل می‌کنند، اما تحت حاکمیت نوعی تئوکراسی شدید قرار دارند. وی در این باره به محل‌های تفکیک شده دختران و پسران در فضاهای دانشگاهی از جمله بوفه‌ها اشاره می‌نماید. او با اشاره به لزوم رعایت حجاب به عنوان یک قانون و نیز ممنوعیت دست دادن زنان و مردان نامحرم، در حالی که در حال گفتگو با یک دختر است، به کنایه می‌گوید، به جای دست دادن با او، با یک آقا که در کنار اوست دست خواهد داد. حاضران به این موضوع می‌خندند (طرح تفاوت فرهنگی تعامل زنان با مردان در ایران در قالب اجبار).
- راوی می‌گوید در تبلیغات مجلات ایرانی نیز زنان نمی‌توانند بی‌حجاب باشند، ضمناً آنها مجلات سکسی نیز ندارند. وی نتیجه می‌گیرد که ۷۵ درصد زنان ایرانی اگر اجازه داشته باشند، از پوشش‌های آزادتری در محافل عمومی استفاده می‌کنند. او همچنین عمل جراحی زیبایی از جمله عمل بینی زنان طبقه متوسط را در ایران، رایج می‌داند (دال بر اینکه بین گفتمان رسمی در ایران که بر سادگی پوشش و آرایش زنان تأکید دارد و علایق زنان، تعارض وجود دارد؛ نوعی رابطه علی بین این دو برقرار شده است که گویی انجام جراحی زیبایی دختران، در نتیجه اعمال قوانین و تبلیغات دینی در جامعه است).
- در ایبانه، راوی با کوبه‌های در خانه‌ها که هر کدام از آنها معرف مرد بودن یا زن بودن کوبنده در است، آشنا می‌شود و اذعان می‌کند که گرچه این امر برای او بی‌معنی است، اما برای زنان مسلمان اهمیت دارد (طرح تفاوت فرهنگی به عنوان تبعیض برای زنان).
- در اصفهان، راوی در عمارت چهل ستون، با ارائه تفسیری از مضمون نقاشی‌های آن، رامشگران و رقصندگان مصور شده بر دیوارهای این عمارت را توصیف می‌کند و می‌افزاید: این آثار مبین نوعی از زندگی ایرانی در بهترین وضعیت آن است (تمرکز بر کلیشه‌های شرق‌شناسانه درباره رویکرد ابزاری مردان ایرانی به زنان به عنوان سرگرم‌کنندگان آنها).

● راوی ضمن گفتگو با دو دختر محجبه، پیام آنان را برای دوستان آمریکایی راوی (منظور، هموطنان خود اوست) جویا می‌شود. آنها می‌گویند که مردم آمریکا را دوست دارند (دال بر دوستی و محبت زنان ایران در قبال مردم آمریکا).

● راوی از دختران محجبه می‌پرسد، آیا شما پسری برای همراهی دارید؟ آنها می‌خندند و پاسخ منفی می‌دهند اما او ادامه می‌دهد، ولی شما به یک پسر نیاز دارید. وی بر اینکه آنها بدون وجود دوست پسر مشکلی ندارند و خوشحال‌اند، تأکید می‌کند. او اظهار امیدواری می‌کند که ایشان روزی پسر مورد علاقه‌شان را بیابند (تأکید بر نقصان روابط انسانی از منظر فرهنگ غربی در میان دختران ایرانی؛ طرح تفاوت فرهنگی به عنوان ضعف و نقصان).

● راوی در شیراز، با حضور در مهمانی یک خانواده ایرانی می‌گوید، به دلیل وجود دوربین و گروه او به عنوان افرادی غریبه، زنان خانواده، پوشش بیشتری دارند (اشاره به حریم‌گذاری زن مسلمان با نامحرم). در این خانه، بانوان، پذیرایی مفصلی از او به عمل می‌آورند و از او با انواع غذاها پذیرایی می‌کنند (دال بر صمیمیت، مهربانی و مهمان‌دوستی زنان ایرانی).

در این مستند می‌توان به تصویری از زنان ایرانی از منظر تولیدکنندگان دست یافت. در حالی که راوی در ابتدای روایتش، به شدت چادر و پوشش زنان را ذیل قوانین حکومت طرح می‌کند و به نوعی، بر نبود آزادی اجتماعی در ایران تأکید می‌ورزد، اما به تدریج از این موضوع فاصله می‌گیرد و در حالی که بسیار تحت تأثیر مهمان‌نوازی خانواده ایرانی در شیراز قرار گرفته است، تلاش می‌کند تا نحوه تعامل زنان این خانواده در حضور نامحرم و بیگانه را تشریح کند. با این حال، اشاره هر چند گذرا به برخی موضوع‌های مرتبط با زنان، برخی کلیشه‌های شرق‌شناسانه در خصوص زنان را به ذهن متبادر می‌کند؛ برای مثال، اشاره به زنان رامشگر در یک نقاشی در اصفهان به عنوان تصویر زندگی ایده‌آل ایرانیان، از این زمره است.

بحث و نتیجه‌گیری

در تحلیل بازنمایی تصویر زنان ایران در مستندهای تلویزیونی آمریکایی، تصویر ارائه

شده از زنان ایران را می‌توان بسیار متأثر از رویکردهای رسانه‌ای تلویزیون‌های امریکا به جمهوری اسلامی ایران به‌مثابه «دیگری» امریکا دانست. در واقع موضوع زنان ایرانی، به عنوان یکی از موضوع‌هایی که به طور پیوسته و مداوم در این تلویزیون‌ها به آنها پرداخته شده است، به طور پررنگی در کنار دیگر کلیشه‌های ارائه شده از ایران در این رسانه‌ها برای تصویرسازی منفی از حکومت ایران مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. در مستندهای تلویزیونی متمرکز بر زنان ایران، پیوسته با بافت‌زدایی از فرهنگ و فضای اجتماعی ایران، و با خود مرکزبینی ناشی از رویکردهای شرق‌شناسانه، تفاوت‌های فرهنگی - اجتماعی این جامعه نادیده گرفته شده است و هرگونه مظاهر فرهنگی یا رفتار اجتماعی زنان با معیارهای جامعه طراز غربی سنجیده می‌شود. از این رو در همه این مستندها موضوع پوشش زنان به‌مثابه اجباری فرهنگی^۵ اجتماعی از جانب حکومت ایران طرح می‌شود و در بحث از این موضوع، به صورت بسیار نادر به فرهنگ دینی زنان مسلمان به عنوان افرادی که به مرزگذاری با نامحرمان باور دارند، توجه شده است.

در راستای رویکرد یاد شده، هرگونه رفتار یا نگرش زنان ایرانی که با رفتارها و نگرش‌های غالب در میان زنان در فضای اجتماعی. فرهنگی غرب، مشابهت داشته باشد، در این مستندها تحسین و برجسته شده است.

منابع

- چندلر، دانیل. (۱۳۸۷). *مبانی نشانه‌شناسی* (ترجمه مهدی پارسا). تهران: سوره مهر.
- سفیری، خدیجه. (۱۳۸۷). *روش تحقیق کیفی*. تهران: پویش.
- بیچرانلو، عبدالله. (۱۳۸۸). *بازنمایی اسلام و ایران در رسانه‌های غرب*. فصلنامه رسانه، ۷۷. پیرنیا، حسن. (۱۳۴۱). *ایران باستان*. تهران: کتاب‌های جیبی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۶۹). *زن در آینه جلال و جمال*. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- دیاکونوف، ایگور میخائیلویچ. (۱۳۴۵). *تاریخ ماد* (ترجمه کریم کشاورز). تهران: ترجمه و بنگاه نشر.
- راوندی، مرتضی. (۱۳۵۴). *تاریخ اجتماعی ایران*. جلد اول. تهران: امیرکبیر.
- روشن‌ضمیر، الی لستر و رضایی، سبحان. (۱۳۸۵). *بازنمایی ایران و حجاب زنان ایرانی*

- در رسانه‌های آمریکا. فصلنامه رسانه، ۶۸.
- سعید، ادوارد. (۱۳۸۲). فرهنگ و امپریالیسم (ترجمه افسر اکبری). تهران: توس.
- سمتی، محمدمهدی. (۱۳۸۵). عصر سی‌ان‌ان و هالیوود (ترجمه نرجس خاتون براهوئی). تهران: نی.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین. (۱۳۹۹ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. جلد ۱۶. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- عضدانلو، حمید. (۱۳۸۳). ادوارد سعید. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- غزالی طوسی، ابوحامد امام محمد. (۱۳۸۰). کیمیای سعادت (به کوشش: حسین خدیوچم). چاپ نهم. دو جلدی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- غیاثیان، مریم سادات. (۱۳۸۶). بازنمایی «ما» و «آنها»، تصویر سفیدپوستان و مسلمانان در نشریات غرب پس از یازدهم سپتامبر. فصلنامه رسانه، ۷۲.
- کلینی، محمد. (۱۳۹۱ ق). الکافی (به کوشش علی‌اکبر غفاری). جلد ۶. تهران: بی‌نا.
- مهدی‌زاده، سیدمحمد. (۱۳۷۸). رسانه‌ها و بازنمایی. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- نفیسی، سعید. (۱۳۴۲). تاریخ اجتماعی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- همتی گلپان، عبدالله. (۱۳۸۶). تاریخچه شرق‌شناسی؛ کاوشی در سیر مطالعات اسلامی در غرب. مشهد: جهاد دانشگاهی.
- واعظ خرگوشی، ابوسعید. (۱۳۶۱). شرف‌النبی (ترجمه نجم‌الدین محمود راوندی، تصحیح و تحشیه محمد روشن). تهران: بابک.
- Hall, S. (1997). Representation: **Cultural Representations and Signifying Practices.**
- Izadi, F. & Saghaye-Biria, H. (2007). A Discourse Analysis of Elite American Newspaper Editorials: The Case of Iran's Nuclear Program. **Journal of Communication, Inquiry**, Vol. 31, No.1, Pp. 140-165.
- Wilkins, K. G. (2009). **Home /Land/ Security: What We Learn about Arab Communities from Action - Adventure Films**, Lexington Books.
- Totman, S. A. (2009). **How Hollywood Projects Foreign Policy**. Palgrave and Macmillan.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی